

ایسکرا

۷۶۱

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵
E-mail: moasangaran@googlemail.com

سردبیر عبدالکبیریان

۱۷ دی ۱۳۹۳، ۷ ژانویه ۲۰۱۵

Tel: ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵ تاشن تماس با ما

درباره نفرت پراکنی ناسیونالیستی بر علیه مردم کرد زبان مصاحبه با ناصر اصغری - بخش دوم

ناصر اصغری: من فکر نمی کنم دشمنی کور قومی و نژادی به این شیوه در آن جاهایی که شما به آن اشاره کردید وجود داشته باشد. سعی کردم در سؤال قبلی به شرایطی که این تنشها را به وجود آورده اشاره کنم. حتما رژیم اسلامی در آن شهرستانها هم تلاش کرده که مردم را به بهانه های قومی به جان هم بیاندازد، اما گفتم زمینه هایش متفاوت بوده که نتوانسته موفق شود. اگر توجه کرده باشید همزیستی کرد زبانان و ترک زبانان در بسیاری از شهرستانهایی که به آن اشاره کردید به سالها پیش برمی گردد. با همه اینها، اگر در ایران زیر سلطه جمهوری اسلامی تنشی بین مشاهده کرد؟



ایسکرا: شما فقط به نمونه ارومیه اشاره کردید، اما مردم کرد زبان و ترک زبان در خیلی از شهرهای دیگر هم، مثل قروه، نقده، سلماس، خوی، میاندوآب، ماکو، شاهین دژ و تکاب هم با هم زندگی می کنند. به نظر شما چنین نگرانی، تحرکات و تنشهایی را که شما به آن اشاره کردید در آنجاها نمی توان مشاهده کرد؟

صفحه ۲

گستاخی حکومت اسلامی به کارگران بیکار را نباید بدون پاسخ گذاشت!

صفحه ۵

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

تهیه و تنظیم: یدی محمودی
yadi.mahmodi@gmail.com



هستیم و همچنین مسیر موصل و درعا از طرف نیروهای ما کاملاً تحت کنترل است و این برای داعش یکی از راههای عبور و مرور جدیدشان به حساب می آید. لازم به ذکر است که از دو هفته پیش جنگ برای باز پس گیری شهرک شنگال که در ماه سپتامبر بدون مقاومت به دست داعش افتاد شروع شده و هم اکنون بخشهای مهمی از شهر توسط

جنگ در شنگال ادامه دارد

بر اساس گزارشهای منتشر شده جنگ برای تصرف شنگال با داعش هنوز ادامه دارد و روز پنجم ژانویه نیروهای اقلیم کردستان یک هواپیمائی داعش را سرنگون کردند. در این باره یکی از فرماندهان محور شنگال وابسته به حزب دمکرات ضمن تأیید خبر سرنگونی هواپیمای داعش گفت "ما در حال پیشروی به طرف بلندیها و مناطق استراتژیک

صفحه ۵

تشدید فضای امنیتی



نسان نودینیان

بوکان توسط نیروهای اطلاعاتی میاندوآب بازداشت شده اند. در بوکان، میلاد عبدی و قاسم سپاهی اهل روستای "گامیش گولی" از سوی نیروهای اطلاعاتی

صفحه ۲

فضای امنیتی در شهرهای کردستان با تحرك سرکوبگرانه نیروهای جمهوری اسلامی، تشدید شده. به بهانه سرپازگیری در معابر عمومی جوانان را دستگیر و به بهانه همراه نداشتن شناسنامه دسته دسته آنها را به مراکز امنیتی انتقال میدهند. عوامل بسیج با تطمیع دانش آموزان از طریق "وعده تأمین امتیازات در آینده" آنها را به عضویت درمی آورند. در بوکان، حسین ابراهیمی در نزدیکی روستای "آختنار" توسط لباس شخصی های مسلح ربوده شده است. در مهلباد، شورش آینه بوکانی و سالار سعیدی که ۹۰ روز پیش در مهلباد بازداشت شده اند، تاکنون در بازداشت نیروهای اطلاعاتی بسر می برند. در مهلباد و بوکان: سلیمان کردی فرزند رحمان، کیوان طاهرازه فرزند عثمان، کمال احمدزاده فرزند رحیم از اهالی روستای "گامیش گولی" از توابع منطقه آلمشین بوکان و هلمت فرزند محمد اهل روستای "قرگل" از توابع منطقه "چومی مجیدخان"

شرایط کار و زندگی کارگران مهاجر در کردستان عراق



علی زیلدونی

هزاران کارگر برای بدست آوردن دستمزد بیشتر روزانه مهاجرت میکنند. مهاجرتها بین شهری و بین استانی و از روستا به شهر و از شهر به شهرهای بزرگ که به آن مهاجرت داخلی گفته میشود، ولی نوع دیگری از مهاجرت که کارگران از مرزهای بین المللی و تحت حاکمیت یک دولت مستقل گذشته

صفحه ۳

نگاه هفته: مجموعه ای از اخبار و رویدادهای هفته در شهرهای کردستان نسان نودینیان - نسرین رضاعلی

دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه پیام نور مهلباد، عضویت و جمع آوری کمک به کمپین کوبانی

صفحه ۶

عزیزی، روز هجدهم آذرماه از سوی نیروهای اداره اطلاعات مهلباد در محل کارش بازداشت شده بود. اتهام احتمالی وارده به

آزادی از زندان

آسو عزیزی، با صدور ۲۰۰ میلیون تومان وثیقه به دستگاه قضایی از حبس آزاد شد. آسو

آیا سروه زنده میماند؟ / مینا احدی

صفحه ۴

مهرداد امین وزیری فعال کارگری در سنندج دستگیر شد
ریبوار عبداللهی و فرزند مرادی نیز از زندان آزاد شدند.

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ درباره نفرت پراکنی ...

دو همسایه بوجود بیاید تعجب نخواهم کرد.

ببینید، در همه جای دنیا وقتی مردم به موقعیت اقتصادی نامناسبی می افتند و دشمن اصلی را نمی شناسند، دنبال مقصر جای دیگری میگردند. انقلاب ۵۷ علیه فقر و نابرابری بود. با سر کار آمدن جمهوری اسلامی دامنه این فقر و نابرابری گسترده تر هم شد. مردم ترک زبان شهر ارومیه به یکباره با هجوم میلیونی مردم کرد زبان مواجه شدند که می بایست برای کارهای موجود با هم رقابت کنند. برای کسی که گرسنه است و دنبال کار بخور و نمیری می گردد و پیدا هم نمی کند، و مهمتر اینکه افق روشنی جلوی خود نمی بیند، هر کسی که سر راهش باشد دشمن می شود. دستجات لپمن اسلامی شرایط فقر و ناامنی ای که فقر دامن می زند را به گردن کردزبانان می انداختند که همچنانکه گفتم ملاحسنی می گفت آمده اند شهر ارومیه را محاصره کرده اند! در غیاب يك افق انسانی، این کاملاً ممکن است لات و لوت‌های مثل ملاحسنی میدان دار بشوند. که متأسفانه چنین هم شده است! مردم ترک زبان و کردزبان، چه می دانم، در شاهین دژ و ماکو هم می توانند خود را رقیب همدیگر ببینند. بعید نیست! اما گفتم که تشدید فقر مردم در ارومیه همزمان با قدرت گیری جمهوری اسلامی، که آن هم همزمان با هجوم صدها هزار نفره مردم کردزبان روستاهای اطراف به ارومیه بود؛ که عجیب نیست اگر کسانی به دنبال چرایی فقر خود مهاجرت کردزبانان را نتیجه بگیرند.

ایسکرا: اما چرا اینها را "تروریست" می خوانند؟

ناصر اصغری: ادبیات و فرهنگ رژیم اسلامی است. جمهوری اسلامی نیروهای سیاسی کردستان را "تروریست" خطاب می کند و اینها هم، که گفتم اساساً عوامل رژیم هستند، دستشان در انبان رژیم است. مثلاً اگر دو نفر در کردستان به نام طرفداری از داعش و یا پ ک ک و پژاک و یا هر سازمان و حزب اپوزیسیون جمهوری اسلامی دست

"مشکوک کردها" در محله های کردنشین فراخوان داده میشود و شماره تلفن نیروهای انتظامی برای لودادن اعلام میشود. ۲- چندی پیش همینها در همین سایت از آخوندها درخواست کردند خرید و فروش با کردها را تحریم کنند تا مغازه ها به کردها مواد غذایی نفروشند! کردها را از شهرها اخراج کنند تا امت شیعه در اکثریت بماند! از شهردار تقاضا کردند تا مجسمه ملاحسنی، یکی از درنده خوترین آخوندهای خمینی و جمهوری اسلامی را در ارومیه نصب کند!

۳- در سایت گونا تی وی از سرداران سپاه که مثلاً در درگیری با پژاک کشته شده اند به عنوان کسانی که "به درجه رفیع شهادت رسیده اند" یاد میشود! البته همین گونا تی وی سرکوبگران و حکام شرع ترک زبان را پاسداران و آخوندهای خودی و متعلق به ملت خود تلقی میکند! ۴- ۲۷ زندانی سیاسی در ارومیه در اعتراض به وضعیتشان در زندان در اعتصاب غذا بسر میبرند، با سرکوب و شکنجه و حتی تهدید اعدام روبرو میشوند و درست در موقعی که این زندانیان برای احقاق حقوقشان به همبستگی نیاز دارند، فاشیستهای ترک با القاب نظیر "تروریستهای کرد" علیه آنها نفرت پراکنی میکنند و در نقش دستیوار قوه قضاییه و دستکاه سرکوب حکومت در بیرون از زندان ظاهر میشوند. ۵- همراه با همبستگی مردم جهان در دفاع از مقاومت کویسانی، در دانشگاه ارومیه تظاهرات همبستگی اعلام میشود و این جریانات معترضین را تروریست مینامند.

اینها مشخصه نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی است که با و یا بدون مسئله ملی در جایی هم همین سیاستها را سازمان مخوف اطلاعات و سپاه و بسیج به پیش می برند. بجای ستارخان، باقرخان، جعفر پیشه وری و دهها شخصیت ملی در آذربایجان، مجسمه یک جانی آدمخوار را می خواهند در مرکز شهر نصب کنند! واقعا عجیب به نظر نمیرسد که یک نیروی ناسیونالیست زبردست بجای در افتادن با حکومت مرکزی و سهم خواهی از آن، دشمن خود را مردمی تعریف کند که آنها هم بعنوان شهروندان برابر بحساب نمی آیند و

از صفحه ۱ تشدید فضا ...

حکومت اسلامی ایران بازداشت شدند که تاکنون در بازداشت بسر می برند. شیلان و کوثر رحمانی پور اهل شهرستان بوکان و چنور عباسی اهل شهرستان سنندج ۳ دانشجوی بازداشت شده توسط نیروهای امنیتی در تهران می باشند.

این دانشجویان بدون اطلاع قبلی و بدون ارائه هیچ مجوز قضایی از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده اند. در ۱۰ کیلومتری خروجی کرمانشاه به سنندج و در سه راهی قازانجی، خودروی سواری دو نفر از سرنشینان مورد شلیک تیر نیروهای انتظامی قرار میگیرند که در نتیجه این تیراندازی سجاد گودرزی فرزند سعید جان خود را از دست داد. این تیراندازی، زخمی شدن یکی دیگر از سرنشین خودرو به نام "نظیر" اهل روستای "تیلکو" از توابع کامیاران را نیز به همراه داشت. در تیراندازی که در

دوستان هم فرماندهان و مسئولان بالای حکومت باشند؟!

ایسکرا: برای افشا و منزوی کردن اینگونه جریانات چه اقداماتی باید انجام داد که مردم ترک زبان و کرد زبان از آنجا که سالها است در کنار هم زندگی می کنند ماهیت مخرب آنان را بیشتر بشناسند؟

ناصر اصغری: اولین اقدام افشاء آن نیروهایی است که دارند تحت نام دفاع از ترک زبانان اجندای جمهوری اسلامی را به میان توده های مردم می برند. جمهوری اسلامی نان شب مردم را گرو گرفته و نباید کسی به دام کشیف آن بیافتد. فعالین اجتماعی باید همین را نشان بدهند که جمهوری اسلامی دشمن مشترک همه مردم زحمتکش است و بانی این همه فقر، نداری و بیکاری همین رژیم است. باید غارت و چپاول جمهوری اسلامی را نشان همه داد. فساد مالی ای را که خودشان هم دیگر نمی توانند بیشتر از این پنهان کنند را باید نشان همه داد. باید نشان داد که چه ریخت و پاشی خرج سر پا نگه داشتن بشار اسد می شود. خرج

تروریسم حماس و حزب الله و باندهای آدمکش در عراق می شود. خرج مفتخوران بسیج و سپاه و دیگر ارگانهای سانددیس خور سرکوب می شود. اینها هستند که باعث بدبختی و فقر مردم در این جامعه هستند نه مردمی که به زبان دیگر تکلم می کنند.

مردم آذربایجان و کردستان حق دارند که بگویند می خواهند بعنوان شهروندان برابر در آن مملکت زندگی کنند و هیچگونه تبعیضی را نمی پذیرند. اما نفرت پراکنی بر علیه بخشی از جامعه، حتی اگر به فرض کار جمهوری اسلامی هم نباشد، هیچ بخشی از جامعه را صاحب حق و حقوق برابر نخواهد کرد و جواب ستم ملی نیست.

و مهمترین نکته به نظر من این است که فعالین کارگری و سوسیالیست باید آلترناتیو سوسیالیستی را در جامعه هر چه بیشتر جلو بیاورند و افق روشن و سوسیالیستی را تبلیغ کنند. واضح است که در نبود چنین فعالینی هر سناریو سیاهی ممکن است. *

از صفحه ۱ شرایط کار و زندگی ...

شرایط غیرعادی همچون جنگ داخلی، نزاعهای قومی و مذهبی (مانند افغانستان)، تحریم کشور مبدأ از سوی عوامل بازار جهانی (مانند ایران) و یا اشباع بازار داخلی و گسترش درآمد صادراتی کشور مبدأ (مانند کشورهای شرق آسیا) یا مزایا و تسهیلات نسبی کشور مقصد، میتوانند باعث ایجاد پدیده کارگر مهاجر باشد ولی آنچه روند مهاجرت را تسریع میکند اختلاف دستمزد بر اساس نرخ برابری ارز بین دو کشور مبدأ و مقصد و نیز تسهیلات رژیم حقوقی و گمرکی بین دو کشور میباشد. پس از فروپاشی رژیم بعث در عراق و تا قبل از پیدایش سازمان تروریستی داعش در عراق، مناطق شمالی عراق (اقلیم کردستان) از امنیت نسبی برخوردار بود. از آنجایی که سرمایه رابطه مستقیم با امنیت داخلی یک کشور دارد بنابراین با توجه به سودآوری کلان شرکتهای خارجی در بخشهای نفت، راه و ساختمان شروع به فعالیت کردند. از دلایل عمده این سرمایه گذاریها، سود ویژه معاملات نفتی و نیز مالیات بسیار کم (بعضا معافیت مالیاتی و شراکت صاحب منصبهای کرد در اکثر پروژهها) و نیز تخصیص زمین ارزان قیمت و دسترسی به نیروی کار بسیار پایین و نیز عدم رعایت قوانین بین المللی کار و فقدان قانون کار در این مناطق بوده است. هزاران کارگر از شرق آسیا که حضور دیرینه ای در بازار کار عراق داشته اند، دوباره وارد عراق شدند و البته دو کشور رقیب همسایه شرقی و شمالی عراق نیز هر یک به دلیل بخشی از بازار کار را سهمین شدند.

اکثریت کارگران از چه کشورهایی هستند و در چه بخشهایی مشغول بکارند؟

(الف) ایران: ساختمان، خدمات هتل، پلاستیک سازی، جوشکاری.
(ب) ترک: در بخش ساختمان
(ج) هندی، نپالی، بنگلادشی، فیلیپین، عمدتا در شهرداری و خدمات منازل، نیز بخش خدمات هتل و رستوران
(د) مناطق عربی عراق: معمولا کارگر شهرداری هستند و بخشی از آنان هم کار تخلیه بار میکنند.

(ه) کارگران سوری: در ساختمان و جوشکاری و بعضا خدمات رستوران و اغذیه فروشیهایی که خود سوریها دایر کرده اند.

روند اخذ اقامت؟

(الف) شرق آسیا: معمولا کارگران شرق آسیا توسط شرکتهایی و دفاتر شغل یابی بین المللی به عراق ترانسفر میشوند و شرکت طرف قرارداد عراقی آنها را در اختیار بنگاههای اقتصادی قرار میدهد و شرکت مبدأ غالبا هزینه اخذ اقامت کاری و بلیط را از کارگر اخذ میکند و حقوقی که به کارگر پرداخت میشود اکثر بسیار ناآلت از آن قیمتی است که در قرارداد اولیه ذکر شده است و کارگران مبلغی بین ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار میپردازند و گاهی دیده میشود این مبلغ به بیش از ۴۰۰۰ دلار رسیده (دیده شده کارگرانی از ایالت پنجاب هندوستان مبلغ ۵۰۰۰ دلار به این شرکتهای پرداخته اند) و غالبا قراردادهای یک یا دو ساله هست و کارگر تا پایان قرارداد و بدون اجازه شرکت حق مراجعت به کشور خویش حتی برای تعطیلات را ندارد.

(ب) ایرانیها: معمولا ایرانیها بعثت همسایگی و نزدیکی مسیر خود شخصا اقدام به سفر مینمایند. ۱- در گذشته آندسته از ایرانیها که اقامت کاری نداشتند تا پیش از ماه اکتبر ۲۰۱۴، معمولا بوسیله مهلت ۱۵ روزه وارد عراق میشدند و هر ۱۵ روز یکبار مجبور بودند خاک عراق را ترک کنند و وارد گمرک مرزی ایران بشوند و به دولت ایران ۲۰ دلار پرداخت کنند و دوباره برگردند که دست کم علاوه بر هزینه ۵۰ دلاری رفت و آمد یک روز کاری را نیز از دست میدادند ۲- یا ایرانیها مجبور بودند که در مهلت ۱۵ روزه شخصی را پیدا کنند بعنوان کفیل که قاعدتا میبایست عراقی باشد و معمولا وجهی به کفیل پرداخته میشود تا ضمانت وی را قبول کند که آن هم به ندرت پیدا میشود. و البته کل هزینه های اداره بعهد کارگر میباشد که نزدیک به ۳۰۰ دلار برای ۶ ماه تمام میشود.

۳- شرکتهای: بعضی از شرکتهای با اخذ مبلغی بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ دلار اقامه ۲ ماه تا یکساله بصورت

واسطه ای در میآورند که متاسفانه اکثر کارگران ایرانی خویش فرما بدین صورت میباشند و با این تفاوت که اگر کارگری که اقامت ۲ ماهه کاری دارد در بین این ۲ ماه خاک عراق را ترک کند اقامت وی باطل میشود و مجبور خواهد بود دوباره اقامت کاری اخذ کند. ولی اگر کارگر به استخدام شرکتی در بیاید معمولا خود شرکت هزینه اقامت را خود تقبل میکند.

(ج) کارگران سوری و عرب عراقی و ترک:

۱- قریب به اتفاق کارگران سوری کارگر پناهنجو هستند که بعثت شرایط جنگی در سوریه به اقلیم کردستان روی آورده اند و اکثر آنان شبها در کمپ آوارگان بسر میبرند و روزها به شهر برای کار می روند و مجبورند سخت ترین کارها را با کمترین دستمزد بپذیرند و البته باید اضافه نمود با سرازیر شدن خیل آوارگان سوری و عراقی به اقلیم کردستان، هزینه اجاره مسکن سرسام آور بالا رفته و این باعث فشار بسیار زیاد بر روی کارگر آواره شده است.

۲- کارگران عرب عراقی که از مناطق جنگی عراق آمده اند و شرایطی وخیم تر از کارگران سوری دارند و مضافا اینکه فاشسیم کردی تهدیدی جدی برای آنان هستند تا آنجا که در حضور هیرو ابراهیم احمد (همسر جلال طالبانی) در تظاهراتی که برای کوبانی شده بود عده ای از سخنرانان کرد خواستار اخراج عربها از سلیمانیه بودند که البته رفیق محسن کریم معاون دبیرکل حزب کمونیست کارگری عراق جواب آنها را قاطعانه داد.

کارگران ترک: البته کارگران ترک دو دسته هستند عده ای کرد ترکیه که اکثرا در شرکتهای وابسته به پک مشغول به کار هستند یا دست کم بوسیله افراد منتسب به آن در محیطهای کارگری سازماندهی میشوند و دستمزد بهتری نسبت به سایرین دریافت میکنند. ولی بعضا دیده میشود که از کارگران زیر ۱۸ سال هم استفاده میکنند و کارگرانی که اصالتا ترک هستند این دسته از کارگران بیشترین مزایا را نسبت به کل کارگران مهاجر در اقلیم کردستان دارند.

محل خواب، بیمه و وضعیت

بهداشتی و ایمنی محیط کار و مرخصی

محل خواب: الف: شرکتهای بزرگ: کارگران در محل شرکت میخوابند. ب: کارگرهای خویش فرما (مانند کاشیکار و سنگ کارها در واحد کوچک مسکونی): معمولا در محل کار در ساختمانهای نوساز بدون هیچ امکانات گرمایشی و سرمایشی میخوابند و یا اینکه به مسافرخانه میروند و معمولا برای هر شب در ارزاترین مسافرخانه ها مبلغی بین ۵ تا ۹ دلار میپردازند.

بیمه:

در عراق هیچگونه بیمه ای وجود ندارد؛ اما بعضی از شرکتهای خارجی که از اتباع خود استفاده میکنند کارگران را تحت پوشش بیمه داخلی کشور خود قرار میدهند. بعنوان مثال برخی از شرکتهای دولتی یا شبه دولتی ایرانی که خود نیروی انسانی لازم را از درون کشور ایران تامین میکنند - که معمولا گزینشی هستند - ولی دستمزد کارگران را با تومان پرداخت میکنند. یا دیده شده شرکتهای ترکیه ای کارگران ترک را بیمه میکنند و مطابق با قوانین ترکیه با آنان برخورد میکنند و همچنین برخی از کارگران شرق آسیا که بوسیله شرکتهای بین المللی تامین نیروی انسانی منتقل شده اند از پوشش بیمه ای برخوردارند. در ضمن باید یادآور شد بعضی از شرکتهای کارگران حادثه دیده کمک جزیی میکنند. مثلا شرکت بزرگ قیوان که اسپانسر برنامه های تلویزیونی کردی رودا هست بعضی از کارگران را تا یک سال حمایت مالی کرده و این کمک را انساندوستانه یا دینی مانند خمس و زکات قلمداد میکند و نه بعنوان یک وظیفه. بعبارت دیگر از روی مسئولیت پذیری خود در برابر کارگر تن به این کار نمی دهد و آنرا وظیفه حکومت میدانند. در ضمن در اقلیم کردستان عراق در سال ۲۰۱۴ بعد از ۲۴ سال حکمرانی فقط ۴۸ نفر کارگزار شهروندان خود اقلیم، بازتنشسته شده اند (در استان سلیمانیه و منطقه نفوذ دو حزب حاکم، یعنی گوران و اتحادیه میهنی کردستان ۲۴ نفر و در استان شمالی کردستان عراق، منطقه نفوذ حزب دمکرات کردستان عراق، دهوک ۱۱

نفر و ۱۳ نفر باقیمانده مربوط به هولیر و سایر مناطق میباشد). خود بخوان حدیث مفصل.

وضعیت مرخصی: اکثر کارگران هفته ای یکروز مرخصی دارند ولی بیشترین اجحاف در مورد کارگران هندی و شرق آسیا میشود. دیده شده است که بغیر از روزهای اعیاد ملی یا مذهبی تقریبا هیچ مرخصی نداشته اند.

وضعیت بهداشتی و ایمنی و امکانات رفاهی: بسته به نوع شرکت دارد ولی معمولا شرکتهای حمام و دستشویی دارند ولی زمین بازی و سالن تفریحات و یا تورهای تفریحی دایر نشده است. وضعیت ایمنی در سطح بسیار نازلی قرار دارد و مامور ایمنی وجود ندارد و مضافا اینکه حتی در شرکتهای بزرگ هیچ تیم پزشکی وجود ندارد و گاهی هم دیده شده صندوق کمکهای اولیه در محیط کار وجود ندارد و کفش و لباس کار و ایمنی و دستکش به کارگران داده نمیشود.

دستمزد: معمولا دستمزد یک کارگر، روزانه بین ۲۰ تا ۲۵ دلار هست. اما بسته به تخصص کارگر میباشد. دستمزد کارگران در بخش تعمیر و نگهداری بخش برق تا ۱۸۰۰ دلار در ماه بالا میرود .

دستمزد کارگران هندی و نپالی و بنگلادشی: معمولا تا ۵۰۰ دلار فراتر نمیرود و اکثر کارگران زن که در منازل بعنوان خدمتکار کار میکنند، ماهانه بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ دلار دریافت میکنند و غالبا چند سال دور از خانواده هستند. این در حالی است که شرکت عراقی از شخص استخدام کننده ۱۷۰۰ دلار بابت هر کدام از این کارگران دریافت میکنند. بعبارت دیگر دریافتی خود شرکت عراقی از قبل هر کدام از این زنان بیش از ۵ برابر دریافتی خود کارگران میباشد.

قانون کار: در عراق و ویژه اقلیم کردستان هیچ قانون کاری وجود ندارد و تنها قانون کار ملونی که وجود دارد قانون کار شماره ۷۱ سال ۱۹۸۷ مربوط به دوران رژیم پیشین عراق میباشد که آن هم علیرغم اینکه حاوی مواد مناسبی (مرخصی سالانه، مرخصی

آیا سروه زنده میماند؟ بدلیل فرار از خانه، برادر داعشی این دختر ۱۹ ساله قصد بریدن سرش را داشت!



مینا احدی

عصیان میکند و از ناملایمات فرار میکند. تفکر و بینشی که زن را آدم حساب نمیکند. از او فقط سربراه بودن و تمکین کردن و کوتاه آمدن و خدمتکاربودن را طلب میکنند.

هزاران و میلیونها زن در مناطقی که نکبت اسلامی بر سر و روی آن جوامع پاشیده شده قربانی این تفکر و مردان چاقو به دستی هستند که از طرف خدا رسالت خون ریختن زنان عاصی را به عهده دارند. و متأسفانه سروه ۱۹ ساله و جوان یکی از این قربانیان است.

تا زمانی که تفکر زن ستیز اسلامی را به چالش نطلبیم این مذهب ضد زن و نکبت بار از ما قربانی خواهد گرفت. در ایران تحت حاکمیت داعشیان قرن، کشتن زنان عاصی و ریختن خون آنان جزو قوانین شریعه است و حکومت و آخوندها و جانیان حاکم روزانه با دهانهای کف کرده از همین سنتهای ضد زن و از همین زن کشی دفاع میکنند. در ایران قانون، کشتن زنان را حلال اعلام کرده و تا کنون هزاران زن را جمهوری نکبت اسلامی قربانی کرده است. روزی باید متحدانه بیا خاست و این بساط زن کشی را بهم زد.

ننگ و نفرت بر سنتها و قوانین و حکومتهای اسلامی
شنبه ۳ ژانویه ۲۰۱۵



۱۹ سال دارد و در همین ساعات و ثانیه ها با مرگ دست و پنجه نرم میکنند. از دست ناملایمات زندگی و مشکلات خانواده اش از دهگلان به سنندج فرار کرده و برادر با "غیرتش" او را پیدا کرده و به قصد جدا کردن سر از تنش با چاقو به او حمله کرده است. سروه در حالیکه به شدت زخمی بوده به بیمارستان منتقل شده و اکنون در حالتی بین مرگ و زندگی است. پزشکان میگویند شدت جراحات وارده بر او بسیار زیاد است و شانس زنده ماندن سروه بسیار کم. این واقعه جمعه ۱۲ دی ماه ۱۳۹۳ برابر با ۲ ژانویه ۲۰۱۵ دیروز در سنندج اتفاق افتاد و سروه اکنون در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان بعثت است. سروه اهل دهگلان بود و از دست خشونت های برادر و پدر و خانواده اش فرار کرده بود. او طبعاً نمیتوانست به مرکزی یا خانه امنی فرار کند چرا که از بد روزگار سروه در ایران تحت حاکمیت داعشیان به دنیا آمده و نفس کشیده و زندگی کرده است!

بدلیل فرار از خانه، برادرش قصد بریدن سرش را داشت!! این همان تفکر و فرهنگ و رفتار داعشی است. تفکری که قبول ندارد دختر و جنس زن، انسان است. احساس دارد، در مقابل خشونت و تحقیر ناراحت میشود و یک روز

مهر داد امین وزیری فعال کارگری در سنندج دستگیر شد ریوار عبداللهی و فرزاد مرادی نیا از زندان آزاد شدند.

استقبال قرار دادند. آزادی ریوار عبداللهی و فرزاد مرادی نیا را به آنها، به خانواده هایشان و همگان تبریک میگوییم. گفتنی است که خانواده های این کارگران نقش مهمی در آزادی و رساندن صدای اعتراض کارگران بازداشتی در شهر و در سطح عمومی داشتند.

فردین میرکی یکی دیگر از فعالین کارگری اخیر در شهر سنندج همچنان در بازداشت بسر میبرد. فردین میرکی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

کمپین برای
آزادی کارگران زندانی
۱۴ دی ۱۳۹۳
۴ ژانویه ۲۰۱۵

قانونی" شرکت نکند و مهرداد از دادن چنین تعهدی امتناع کرده بود.

آزادی ریوار عبداللهی و فرزاد مرادی نیا دو تن از فعالین کارگری در سنندج

طبق اخبار منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ریوار عبداللهی و فرزاد مرادی نیا دو تن از فعالین کارگری و اعضای این کمیته که اخیراً در شهر سنندج دستگیر شده بودند، در قبال وثیقه ۵۰ و ۷۰ میلیون تومانی در روزهای ۸ و ۱۱ دیماه آزاد و با استقبال گرم و با شکوه خانواده و جمعی از کارگران و فعالین کارگری شهر قرار گرفتند. حاضرین با نثار حلقه های گل و خواندن سرود انترناسیونال عزیزان خود را مورد

طبق اخبار منتشر شده مهرداد امین وزیری از فعالین کارگری در شهر سنندج روز دوشنبه ۸ دی ماه توسط ماموران اطلاعاتی رژیم در محل کار خود دستگیر و به ستاد خبری منتقل شد. بنا بر خبرها مهرداد وزیری روز ۱۱ دیماه طی تماسی با خانواده خبر داد که در اعتراض به این دستگیری دست به اعتصاب غذا زده است. طبق همین اخبار برای او ۳۰ روز قرار بازداشت موقت صادر شده است. قبل از آن مهرداد امین وزیری روز ۲۲ آذر بصورت تلفنی احضار شده بود که پس از دو ساعت بازجویی او را آزاد کرده بودند.

گفتنی است که مامورین اطلاعات در بازجویی ۲۲ آذر ماه از وی خواسته بودند که تعهد بدهد که دیگر در هیچ تجمع "غیر

از صفحه ۳ شرایط کار و زندگی ...

سازمان روشنفکری و دفاع از کارگران خارجی مربوط به حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق. ج: سازمان کار به مدیریت خانم الا کمال. د: انجمن کارگران مهاجر.

لازم به توضیح است که از بین سازمانهای کارگری عراق، سازمان غیردولتی کارگران ساختمانی کردستان عراق تاکنون بیشترین همکاری با انجمن کارگران مهاجر را داشته است.*

بررسی آن میباشد. از نکات طنز این اقدام عدم دعوت از نمایندگان کارگری در تهیه طرح بود و دستکم پیشنویس آن را به سازمانهای کارگری ارایه نداده است.

سندیکا و تشکلهای غیر دولتی؟

الف: سندیکای غیردولتی کارگران ساختمانی کردستان. ب:

هفتگی، تحدید ساعات کار، مرضی استعلاجی با حقوق، سن قانونی کار، عدم استفاده از زنان در کارهای سخت و ممنوعیت کار شبانه زنان و ممنوعیت کار زنان) هست ولی اعمال نمیشود و همچنین پارلمان محلی کردستان تا کنون قانون کار مدونی مصوب نکرده است و گفته میشود طرحی به پارلمان پیشنهاد شده و سرگرم

حزب کمونیست کارگری نماینده آرزوها و خواستههای بایمال شده مردم محروم است.

حزب کمونیست کارگری حزب میلیونها کارگری است که کار میکنند و خود از نعماتی که خود ساخته اند محرومند! حزب کمونیست کارگری صدای همه مردمی است که آرزوهای ساده و انسانی شان سرکوب شده است! این حزب صدای میلیونها کارگر و جوان و بیکاری است که بازار سرمایه آنها را وازده است و اسیر بیکاری و فقر و محرومیت شده اند. صدای کودکان محروم شده از شادی و تحصیل، صدای زنانی که فقر و محرومیت آنها را به تن فروشی ناچار میکند، صدای جوانانی که در اوان زندگی از شادی و رفاه و آزادی محروم میشوند، صدای آنهایی که اعدام شده اند و دیگر صدایی ندارند!

به حزب کمونیست کارگری بیونددید، دست در دست هم جامعه ای بسازیم که در آن اعدام و زندان معنایی نخواهد داشت. هیچ کس از تحصیل و مسکن و دارو و درمان محروم نخواهد بود. آزادی بی قید و شرط است و همه مردم از طریق شورایشان قانون گزار و تصمیم گیرنده و اختیار دار جامعه خواهند بود. جامعه سوسیالیستی! که به تاریخ نوحش و بهره کشی و جنایت و سرکوب اقلیت مفتخور مهر پایان خواهد کرد!

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!

از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...

گستاخی حکومت اسلامی به کارگران بیکار را نباید بدون پاسخ گذاشت!

بیکاری يك پدیده تصادفی در جامعه نیست. هیچ فرد بیکاری مقصر نیست. مقصر جامعه سرمایه داری است. سرمایه داری همواره نیازمند وجود يك ارتش عظیم بیکاران در جامعه است و همیشه بخاطر پایین نگاهداشتن دستمزد کارگران و افزایش سود سرمایه درصدی از کارگران بیکار نگهداشته داشته میشوند. باید اعلام کرد تمام خفتی که به اشکال مختلف به کارگر بیکار میدهند در حقیقت خفتی است که شایسته حکومت اسلامی و نظام سرمایه داری است که با کشتار و شکنجه و اعدام آنرا نگهداشته اند. باید اعلام کرد که حکومتی را که وزیر کارش به هفت میلیون بیکار این چنین وقیحانه اهانت میکند باید بزیر کشید. باید گفت باید گورتان را گم کنید! ما بر ویرانه های حکومت شما جامعه ای شایسته انسان، جامعه متضمن آزادی، برابری و رفاه همگان سازمان خواهیم داد.

میکشیدند. اما نه! اینجا ایران تحت حاکمیت اسلامی است. بند ناف این حکومت را با ضدیت علیه کارگر و آزادیخواهی و حرمت انسانی بریده اند. نتیجتاً باید با يك حرکت اعتراضی همه جانبه به این گستاخی پاسخ داد.

واقعیت این است که در حکومت اسلامی مانند بسیاری از جوامع سرمایه داری تحقیر کارگران بیکار يك پای تعرض به کل کارگران در جامعه است. رسانه ها و مبلغان این نظام ها همواره تلاش میکنند تا تصویر يك انسان بی شخصیت و بی حرمت را از فرد بیکار ارائه دهند. اما این گستاخی را نباید بدون پاسخ گذاشت! کارگران، اعم از بیکار و شاغل، باید در کنار مردم آزادیخواه و برابری طلب چنان حرکت اعتراضی علیه این بیشرمی سازمان دهند که این مقام حکومتی و کل حکومت را از گفته خود پشیمان کنند!

باید اعلام کرد که اگر بخش وسیعی از طبقه ما بیکار است، ناشی از عجز و عدم قابلیت و ورشکستگی حکومت اسلامی و جامعه سرمایه داری است که نمیتواند کار مناسب برای بخش وسیعی از مردم سازمان دهد و یا کار مفیدی در جامعه برای همگان فراهم کند. باید اعلام کرد که

حسن طایبی، "معاون کار آفرینی و توسعه اشتغال و معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی" حکومت اسلامی روز پنجشنبه در بجنورد گفت: "ما هفت میلیون بیکاره و علاف در کشور داریم" و اضافه کرد: "می توانند برای بازار کار و اقتصاد ما مشکل ساز شوند."

این اظهارات وقیحانه معاون وزیر کار دولت "تدبیر و امید" حکومت اسلامی نسبت به کارگران بیکار است. به القاب پرطمطراقش نگاه کنید: "معاون کار آفرینی و توسعه اشتغال وزیر تعاون و کار و رفاه اجتماعی"! وارونگی و ریاکاری از سر و روی آن می ریزد. معلوم نیست این مقام حکومتی قرار است برای چه کسی در جامعه "کار آفرینی و اشتغال" ایجاد کند، زمانی که حتی کارگران بیکار را که موضوع مستقیم تعریف ظاهری کارش است با بیشرمی تمام "مشکل" بازار کار و اقتصاد قلمداد میکند؟

اگر در این حکومت کارگر و شهروند از ذره ای حقوق مدنی و انسانی رسمی برخوردار بودند این فرد و این حکومت را به جرم توهین و هتک حرمت علیه بخش وسیعی از جامعه به پای میز محاکمه میکشاندند و کل دولیشان را بزیر

نیروهای اقلیم باز پس گرفته شده.

شهر دار جدید سلیمانیه شروع به کار کرد!

روز پنجم ژانویه بعد از ماهها اختلاف و جدل بر سر پست شهرداری سلیمانیه از طرف جنبش گوران و اتحادیه میهنی و توافق هفته پیش آنها آسو فریدون کاندید اتحادیه میهنی برای دو سال رسماً کار خود را آغاز کرد. لازم به ذکر است که با وجود انتخابات و تقریباً روشن بودن نتایج آن چند ماه است شورای شهر سلیمانیه بر سر انتخاب شهردار ناتوان مانده و برگزاری ۱۲ جلسه این شورا هم نتوانست تصمیم نهایی بگیرد و عملاً باز هم به سنت احزاب ناسیونالیست کرد و برخلاف مراجعه به آرای مردم بالاخره شهردار شهر عملاً با توافق از بالا و بند و بست برای دو سال انتصاب شد و دو سال بعدش هم قرار است نماینده جنبش گوران آنرا در اختیار داشته باشد.

۳۲ میلیون و دویست هزار بشکه نفت حکومت اقلیم تا هم اکنون به ترکیه رسیده!

روز ۳۰ دسامبر تانر یلدز وزیر انرژی ترکیه اعلام کرد که "تا امروز ۳۲ میلیون و دویست هزار بشکه نفت اقلیم کردستان به ترکیه رسید و چهل کشتی نفت از ترکیه به بازارهای جهانی روانه شده". همچنین یلدیز اعلام کرد که در آمد تا کنونی این نفت به بیش از دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار رسیده. لازم به ذکر است که حکومت اقلیم کردستان با چنین درآمد بالایی از فروش نفت و سرازیر شدن سرمایه های جهانی به سوی اقلیم کردستان هنوز هم بعد از ۲۴ سال حاکمیت خود بسیاری از مردم از ابتدائی ترین امکانات زندگی محرومند و این درحالی است که احزاب حاکم و دار و دسته های مافیایشان خود را غرق در ثروت و سامانی کرده اند که قرار بود بعد از حکومت دیکتاتوری صدام سهم مردم باشد.

یکی از مسولین داعش در حوالی کرکوک کشته شد!

بنا به گزارشهای منتشر شده روز دوم ژانویه در پی حمله هوایی نیروهای ائتلاف علیه داعش، در محور تله ورد واقع در جنوب شهر کرکوک، ابو جوندلای تونسسی یکی از مسولین بلند پایه گروه جنایت پیشه داعش کشته شد. این گزارش می افزاید که در همین روز ابتدا هواپیماهای ائتلاف مواضع نیروهای داعش در مکتب خالد، تله دیگری را در حوالی ریز و حویجه را شدت بمباران کردند که ضربات سنگینی بر آنان وارد شد و از جمله کشته شدن ابو جوندلای تونسسی.

مردم شهر اسید صادق در اولین سالگرد اعتراضات خود، باز هم به خیابان آمدند!

روز سوم ژانویه مردم شهر اسید صادق در گرامیداشت اولین سالگرد اعتراضات خود که توسط نیروهای امنیت اتحادیه میهنی به خاک و خون کشیده شد باز هم به خیابان آمدند و حمله نیروهای امنیتی هم نتوانست تجمع و اعتراض آنان را بر هم بزند. طبق گزارشی از اسید صادق در این روز ابتدا مراسمی برای گرامیداشت بریار حسن جوانی که پارسال بدست نیروهای امنیتی کشته شد بر سر مزار او برگزار شد و سپس جوانان و مردم معترض با راهپیمایی به طرف شهرداری شهر و مرکز کارکنان دولت حرکت کردند، که در این مسیر با حمله نیروهای امنیت و آسایش روبرو شدند و مردم را با گاز اشک آور مورد حمله قرار دادند، مردم معترض سپس یکی از ساختمانهای دولتی را سنگ باران کردند و برای مقابله با گاز اشک آور شروع به آتش زدن لاستیک ها کردند. طبق آخرین گزارشها در ادامه اعتراضات مردم يك خودرو نیروهای دولتی به آتش کشیده شده و تعداد نامعلومی از مردم معترض توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند.

فعالان علیه گرانی نان و دیگر مایحتاج زندگی اعتراض کنید!

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماماً خالی شده است. سالها است شمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند. گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرتکون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری،
حکومت کارگری!
زنده باد جمهوری
سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ دیماه ۱۳۹۳
۶ ژانویه ۲۰۱۵

صورت بعضی از حروف، موجب ارش است)). ماده ۷۰۶ از قانون مجازات اسلامی قدیم ((هر کسی آلات و وسایل مخصوص به قمار بازی را بخرد یا حمل یا نگهداری کند. به يك تا سه ماه حبس با تا پانصد هزارتا يك ميليون و پانصد هزار ريال جزای نقدی محکوم می شود)). ماده ۷۰۶ از قانون مجازات اسلامی جدید((از بین بردن قدرت انزال یا تولید مثل مرد یا بارداری زن و یا از بین بردن لذت مقاربت زن یا مرد موجب ارش است)). قابل ذکر است که این احکام به استناد این مواد قانونی از قانون مجازات اسلامی برای منتهی که ۴ سال و ۷ ماه در زندان بسر می برد و توسط سازمان زندانها تحت شدیدترین مسایل امنیتی قرار دارد، صدق نمی کند و این احکام هیچ گونه وجهت قانونی ندارد و قاضی پرونده و تشکیل دهندگان پرونده تنها برای خالی نبودن عریضه که بهنام ابراهیم زاده مدت ۴ سال و ۷ ماه در زندان بسر می برد این حکم را صادر کرده است. ما اعضای کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ضمن محکوم کردن این احکام ناعادلانه، از تمام وجدانهای بیدار و آزادی خواهان می خواهیم که در مقابل این احکام صادره سکوت نکنند و به هر طریقی که برایشان میسر است صدای اعتراض خود را به گوش همگان برسانند. همچنین از تشکل های کارگری می خواهیم که در حد توان خانواده بهنام ابراهیم زاده را در این مبارزه همراهی کنند تا زمانی که کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده چهاردهم دی ماه ۱۳۹۳

پایان اعتصاب غذای بهنام ابراهیم زاده بعد از ۳۱ روز

کارگران، تشکل های کارگری، انسان های شریف و آزاده! بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری زندانی از اعضای کمیته پیگیری و عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان بعد از ۳۱ روز اعتصاب غذا امروز جمعه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۳ با توجه به درخواست های مکرری که بسیاری از دوستان، آشنایان، خانواده، هم بندیان و مخصوصا فرزند بیمارشان نیما همزمان با

کارگران مردم آزاده، تشکل های کارگری! بهنام ابراهیم زاده بعد از سپری کردن ۴ سال و ۷ ماه از احکام صادره يك بار دیگر به اتهام واهی در تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۳ نیمه شب به ایشان اعلام شد که دادگاهی دارد، به این ترتیب در روز ۱۲ آذر ۱۳۹۳ بهنام ابراهیم زاده را با ضرب و شتم به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب انتقال دادند و توسط قاضی احمدزاده محاکمه و دادگاهی شد. بعد از دادگاه بهنام را با ضرب و شتم به زندان برگرداندند. رییس شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب با ریاست قاضی احمد زاده به استناد مواد ۵۰۰ - ۶۱۰ - ۷۰۲ - ۷۰۶ از قانون مجازات اسلامی بهنام ابراهیم زاده به ۹ سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم شد که به شرح زیر است ۱۰. ماده ۵۰۰ از قانون مجازات اسلامی قدیم ((هر کس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به يك سال تا ده سال حبس محکوم می گردد)) قانون مجازات اسلامی جدید(ماده ۵۰۰ - در مواردی که خیانت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند این که در اثر علل قهری واقع شود، ضمان منتفی است)). ۲۰. ماده ۶۱۰ از قانون مجازات اسلامی قدیم ((هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرایمی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد)). ماده ۶۱۰ از قانون مجازات اسلامی جدید ((شکافتن هر دو لب به نحوی که باعث نمایان شدن دندان ها شود، يك سوم ديه کامل و در صورت بهبودی بدون عیب، يك پنجم ديه کامل دارد. شکافتن يك لب موجب يك ششم ديه کامل و در صورت بهبودی بدون عیب، موجب يك دهم ديه کامل است. ۳۰. ماده ۷۰۲ از قانون مجازات اسلامی قدیم((هر کسی مشروبات الکلی را بخرد یا حمل یا نگهداری کند، به سه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شوند)) ماده ۷۰۲ از قانون مجازات جدید((از بین رفتن

مرگ در اثر اعتیاد
بر اثر عوارض سوء مصرف مواد مخدر در استان کرمانشاه، از آغاز فروردین ماه امسال تا اواخر آبان ماه، ۹۴ نفر جان خود را از دست داده اند.

تیراندازی و نا امنی
در ۱۰ کیلومتری خروچی کرمانشاه به سنج و در سه راهی قازانجی، خودروی سواری دو نفر از سرنشینان مورد شلیک تیر نیروهای انتظامی قرار گرفت که در نتیجه این تیراندازی سجاد گودرزی فرزند سعید جان خود را از دست داد. این تیراندازی، زخمی شدن یکی دیگر از سرنشین خودرو به نام "نظیر" اهل روستای "تیلکو" از توابع کامیاران را نیز به همراه داشت.

مریوان: در تیراندازی که در بخش خاومیرآباد از توابع مریوان به وقوع پیوست ماموران انتظامی با شلیک گلوله به جمع کولبران مرزی دو تن از آنان را زخمی کردند.

بهنام ابراهیم زاده در پی دادگاهی مجدد به ۹ سال و نیم زندان محکوم شد

کارگران، مردم آزاده، تشکل های کارگری، وجدانهای بیدار! همچنان که اطلاع دارید بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری و فعال حقوق کودک در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ به اتهام فعالیت های کارگری از جمله شرکت در مراسم های کارگری، نوشتن ویلاک و حمایت از کودکان کار و خیابان در تهران دستگیر و روانه زندان شد. این کارگر مبارز، چند بار محاکمه شد و در دادگاه بدوی به ۲۰ سال زندان محکومش کردند. این حکم در دادگاه تجدید نظر به ۵ سال زندان تعزیری کاهش یافت. بهنام ابراهیم زاده از تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ در حال سپری کردن احکام ناعادلانه خود می باشد. ماموران امنیتی در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۹۳ به بند ۳۵۰ اوین حمله کردند و کلیه زندانیان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. یکی از این زندانیان بهنام ابراهیم زاده بود که از ناحیه دست و گردن دچار آسیب دیدگی شدیدی شد. بعد از حمله به بند ۳۵۰ زندان اوین تعداد زیادی از زندانیان را به سلول انفرادی و بعد به زندان رجایی شهر کرج تبعید کردند. بهنام ابراهیم زاده یکی از این تبعیدیان بود.



مهآباد و بوکان: سلیمان کردی طاهازاده، کمال احمدزاده از اهالی روستای "گامیش گولی" از توابع منطقه آلهشین بوکان و هلمت اهل روستای "قرگل" از توابع منطقه "چومی مجیدخان" بوکان توسط نیروهای اطلاعاتی میانداوب بازداشت گردیدند.

بوکان: میلاد عبینی و قاسم سپاهی اهل روستای "گامیش گولی" از سوی نیروهای اطلاعاتی حکومت اسلامی ایران بازداشت شدند که تاکنون در بازداشت بسر می برند.

دستگیری سه دانشجو

شیلان و کوثر رحمانی پور اهل شهرستان بوکان و چنور عباسی اهل شهرستان سنندج ۳ دانشجوی بازداشت شده توسط نیروهای امنیتی در تهران می باشند. این دانشجویان بدون اطلاع قبلی و بدون ارائه هیچ مجوز قضایی از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

قتل ناموسی

سروه ۱۹ ساله فرزند ابراهیم اهل یکی از روستاهای شهرستان دهگلان توسط برادرش سربریده شده است. سروه اکنون در بخش (آی.سی.یو) بیمارستان بعثت سنندج تحت مراقبت پزشکی می باشد. پزشکان بیمارستان بعثت سنندج اعلام کردند: "به دلیل شدت جراحات و آسیب ها، احتمال زنده ماندن سروه کم است."

اعدام

حکم اعدام حسین وطنزاد فرزند صالح و از اهالی روستای "آب گرم" از توابع شهر سلماس در زندان مرکزی ارومیه اجرا گردید. ۱۱ دی: علالدین عزیزی ۳۸ ساله فرزند قادر اهل شهرک طرزلیو ارومیه در زندان مرکزی قزوین اعدام شد.

تنها نیست" عنوان می شود.

عدم اطلاع از سر نوشت ربیوار کامرانی

ربیوار کامرانی اهل مریوان و مسئول پیشین انجمن ادبی "هاوری همورام" دانشگاه پیام نور سنندج عضو انجمن "سبز چیا" شهر مریوان می باشد. مدت پیش از يك ماه است ربیوار کامرانی دستگیر و از سرنوشت او اطلاع دقیقی در دست نیست.

مرگ دو کارگر فصلی

۴ ادی: حادثه انفجار کپسول گاز در میدان تره بار "میدان معلم - یافت آباد" تهران، جان دو کارگر فصلی اهالی قره را گرفت. این دو کارگر، بدون بیمه و به صورت قراردادی در میدان تره بار مشغول کار بوده اند. جسد این دو کارگر به پزشکی قانونی تهران انتقال و تاکنون به خانواده هایشان تحویل داده نشده است.

محکومیت به زندان

ابراهیم قدیری روحانی اهل مهآباد به ۵ سال حبس محکوم شد.

دستگیری

بوکان: حسین ابراهیمی در نزدیکی روستای "آختطار" توسط لباس شخصی های مسلح ربوده شده است.

مهآباد: شورش آینه بوکانی ۳۳ ساله فرزند عثمان و سالار سعیدی ۲۱ ساله فرزند رضا که ۹۰ روز پیش در مهآباد بازداشت شده اند، تاکنون در بازداشت نیروهای اطلاعاتی بسر می برند. شورش آینه و سالار سعیدی سیزدهم مهرماه در منزل مسکونی خود در مهآباد بازداشت و بلافاصله به اداره اطلاعات ارومیه منتقل شده اند.

از صفحه ۶ نگاه هفته: مجموعه ای از اخبار ...

بستری مجدد نیما در بیمارستان محک به اعتصاب غذای خود پایان داد. قابل ذکر است بهنام از تاریخ ۱۲ آذر ماه ۱۳۹۳ به خاطر تبعید از زندان اوین به زندان گوهر دشت، محاکمه مجدد و تشکیل پرونده جدید و همینطور توهین و شکنجه‌های بی رحمانه از سوی ماموران زندان بعد از ۴ سال زندان دست به اعتصاب غذا زده بود. اعضای کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ضمن محکومیت ادامه بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری از تمامی کسانی که در این مدت به هر طریق ممکن بهنام و خانواده‌اش را مورد لطف و عنایت قرار دادند و در این روزهای سخت کنار این خانواده بودند و یا به هر طریق ممکن با ارسال پیام‌هایی حمایت خود را از بهنام و خانواده‌اش دریغ نکردند کمال تشکر و قدردانی را داریم.

نامه نیما ابراهیم زاده به پدر زندانی بهنام ابراهیم زاده

تو باید بمانی! اکنون بیش از ۴ سال است که تو را به جرم دفاع از کارگران و کودکان دستگیر کردند و برایت حکم زندان صادر کردند، شکنجه و آزار و اذیت شدی و بیشترین توهین‌ها را متحمل شدی، از زندانی به زندانی دیگر و از بندی به بند دیگر تبعید شدی و چند بار در اعتراض به این همه اذیت و آزار و توهین دست به اعتصاب غذا زدی یعنی آخرین وسیله اعتراضی که یک انسان در بند برای اعتراض دارد و تنها میتواند به وسیله جسمش اعتراض خود را نشان دهد حتی اگر این جسم به خاطر تحمل چندین سال حبس و شکنجه بیمار و ضعیف باشد. پدر عزیزم این چند سال که تو در بند بودی من محکوم به بلوغ فکری شدم هر چند هنوز هم از لحاظ سن کودک حساب میشوم اما باید رشد و بلوغ را تصاعدی طی می‌کردم تا بتوانم هم تسکینی برای دردهای خودم باشم تا بتوانم محکم تر به جنگ بیماری بروم و هم جای خالی تو را برای مادرم پر کنم، تو برای از بین بردن کار کودک فعالیت میکردی و این یکی از جرم‌های تو بود که به زندان محکوم شوی اما من به عنوان فرزند تو که کودکی

بیش نبودم حتی مجبور به کار کردن شدم و همین باعث شد تا بیشتر و بیشتر برای انسان‌هایی همچون تو احترام قائل باشم چون زندگی خود را وقف فعالیت برای از بین بردن کار کودک کردید. در این چند سال کمبودهای عاطفی و احساسی زیادی داشته و دارم هر بار که کودکی را به همراه پدرش میبینم بی اختیار اشک می‌ریزم و به فکر تمامی کودکانی هستم که پدر دارند ولی از دیدن پدرانشان محروم هستند و باید از پشت میله‌ها با پدرانشان ملاقات کنند، ولی باز به خودم دل‌داری میدم و میگم این روزها می‌گذرد و تو آزاد میشی و این کمبودها جبران می‌شه، اما هر دفعه که خبر شکنجه یا تبعید به زندانی دیگر یا اعتصاب غذای تو را می‌شنوم تمام روح و جسم گویی همچون تو به بند کشیده شده و استرس باعث میشود که بیشتر و بیشتر بیماری بر من غلبه کند اما هر بار که در شرایط بهتری هستی و صدايت را از پشت تلفن می‌شنوم من هم انرژی بیشتری میگیرم و راحت تر به جنگ بیماری میروم. تو باید بمانی پدر، باید بمانی چون ما و خیلی‌ها به وجود تو نیاز دارند، تو باید بمانی چون بودن تو باعث دلگرمی من، مادرم، خانواده و خیلی از کودکان کار و کارگرانی که تو به عشق اونها متحمل زندان شدی، می‌دوم که خیلی‌ها تو این مدت که اعتصاب غذا کردی و الان يك ماه تو اعتصاب غذا هستی ازت خواستند که اعتصاب غذا را بشکنی اما تو قبول نکردی اما تو باید بمانی و مانند تو هم جسم سالم تری می‌خواد، من و مامان هم از تو می‌خواهیم که به اعتصاب غذا پایان بدی چون ما بیشتر از بقیه از نظر عاطفی و احساسی به تو نیاز داریم و بودن تو بزرگترین دلگرمی ماست حتی پشت میله‌های زندان، پدرم ما از تو تقاضا داریم که به اعتصاب غذا پایان بدی و دوست داریم این تقاضای ما را رد نکنی. دوست دارم پدر عزیزم. به امید آزادی تمام پدران در بند. نیما ابراهیم زاده فرزند کارگر زندانی بهنام ابراهیم زاده

با سلام و درود به همه کارگران و فعالین کارگری

به اطلاع می‌رسانم که فرزندم بهنام ابراهیم زاده در روز دوازدهم آذرماه توسط قاضی احمدزاده و بدون وکیل در دادگاه انقلاب تهران محاکمه شده و به اتهام ارتباط با احمد شهید و سرپل مجاهدین! و اجتماع و تبنانی علیه امنیت کشور، با استناد به ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی به هفت سال و نیم زندان و به اتهام تبلیغ علیه نظام با استناد به ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی به تحمل يك سال و نیم حبس و ۴۵۰۰۰۰ هزارتومان جریمه نقدی، جمعاً به تحمل ۹ سال حبس تعزیری و ۴۵۰۰۰۰ هزارتومان جزای نقدی و همچنین به اتهام نگهداری ورق پاسور به تحمل چهار ماه و نیم حبس محکوم گردیده است. نامبرده همچنین در روز ۹۳/۱۰/۸ به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به سرپرستی قاضی صلواتی احضار و حکم مزبور به وی ابلاغ شد. با تشکر رحمان ابراهیم زاده پدر (بهنام) و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

آزادی ریوار عبداللہی از زندان

طبق گزارش رسیده، امروز دوشنبه ۹۳/۱۰/۸ ریوار عبداللہی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری بعد از تحمل بیست روز بازداشت در بازداشتگاه اداره‌ی اطلاعات شهر سنندج با تودیع وثیقه‌ی پنج‌میلیون تومانی آزاد شد. در این ارتباط تعداد کثیری از کارگران و فعالین کارگری شهر سنندج در یک فضای صمیمی، و با کف زدن‌های ممتد و خواندن سرود انترناسیونال (سرود همبستگی جهانی طبقه‌ی کارگر)، به استقبال وی رفتند. کمیته هماهنگی ضمن شادباش به خانواده‌ی ریوار عبداللہی و تمامی کارگران و فعالین کارگری و تمامی انسان‌هایی که دل در گرو رهایی طبقه‌ی کارگر از قید مناسبات موجود دارند، خواهان آزادی بی‌قید و شرط فردین میرکی، فرزند مرادی نیا و سایر فعالین کارگری و زندانیان سیاسی دربند می‌باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

پیام تبریک به مناسبت آزادی ریوار عبداللہی

کارگران، تشکل‌های کارگری، انسان‌های شریف و آزاده! همانگونه که مطلع هستید در چند ماه گذشته بسیاری از فعالین کارگری شهر سنندج از طرف اداره‌ی اطلاعات این شهر احضار یا دستگیر و زندانی شدند که در این بین بیشترین فشارها بر روی اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری بود و هم اکنون هم ۳ تن از فعالین کارگری عضو این تشکل در شهر سنندج در بازداشت اداره‌ی اطلاعات هستند، ریوار عبداللہی فعال کارگری عضو کمیته هماهنگی هم یکی از افراد دستگیر شده بود که روز ۱۹ آذر ماه به اداره‌ی اطلاعات شهر سنندج احضار و بازداشت شد که بعد از تحمل چندین روز بازداشت و شکنجه روز گذشته با سپردن وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد. کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد ضمن تبریک به خانواده عبداللہی خواستار آزادی بدون قید و شرط دیگر فعالین کارگری دستگیر شده شهر سنندج و تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است. کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد

نرخ "وحشتناک" بیکاری در استان کرمانشاه

نرخ بیکاری در استان کرمانشاه طی مدت پایانی پاییز امسال به ۴۰٫۸ درصد رسید که اختلاف ۴٫۸ درصدی نسبت به تابستان ۹۲ با واژه "وحشتناک" توصیف گردید.

احضار ۱۱ کارگر معدن طلای آق دره به دادگاه

۹۹: یازده نفر از کارگران فصلی معدن طلای آق دره با شکایت کارفرما به دادگاه عمومی شهرستان تکاب احضار شدند. (ششم دی ماه) تعدادی از کارگران معدن «طلای آق دره» در اعتراض به تصمیم کارفرما مبنی بر اخراج ۳۵۰ نفر از همکارانشان در داخل محوطه این معدن تجمع کردند. پس از اقدام بخودکشی یکی از کارگران، (سه شنبه ۹ دی) دادگاه عمومی شهرستان تکاب با شکایت کارفرما یازده نفر از کارگران اخراجی این

واحد معدنی را احضار کرد. «یوسف کاوسی»، «عباس آذر»، «محمد خسروی»، «منصور دخ»، «خلیل عظیمی»، «فاتح رحیمی»، «ایوب مولودی»، «رضا بهاری»، «رضا یوسفی»، «عابد رحمانی» و «عطاء اله صبوری» کارگرانی هستند که با شکایت کارفرما به دادگاه عمومی تکاب احضار شده‌اند. دلیل تشکیل پرونده قضایی برای کارگران، واکنش حدود ۳۵۰ نفر از کارگران این معدن به اخراجشان بوده است.

یک کارفرمای سلیمانیه مهندس اهل دیواندره را به قتل رساند
۱۴دی: کارفرمای یک واحد تولیدی در اقلیم کردستان عراق دو مهندس را هدف گلوله قرار داد. شلیک تیر به دو مهندس دیواندره‌ای در شهرک "بازیان" استان سلیمانیه مرگ یکی از آنان به نام شورش محمدی را در پی داشت. این مهندسین از صاحب کارگاه شیشه خواسته بودند که حق و حقوق آنان را پرداخت کند که با واکنش خشم‌آلوده کارفرما روبه‌رو شدند. حادثه در نخستین روزهای سال جاری میلادی روی داده و دیگر برادر این مهندس اهل شهرستان دیواندره به نام عادل محمدی نیز با کلت کمری به شدت زخمی می‌شود. نداشتن اقامت، اجازه کار و امنیت و همچنین دستمزدی پایین از جمله مشکلات کارگران و متخصصینی است در اقلیم کردستان می‌باشد.

مرگ ۲۹ نفر در حوادث ناشی از کار در شهرهای کردستان

۲۹ نفر در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست داده‌اند که از این تعداد ۱۸ کارگر در بخش ساختمانی بوده‌اند.

اخراج کارگران شرکت نیما سازه گستر سنندج

طبق گزارش رسیده، شرکت ساختمانی نیما سازه گستر، پیمانکار پروژه‌ی ۱۷۰۰ واحدی مسکن مهر شهرک دکایران سنندج، در تاریخ ۹۳/۱۰/۱ تعداد ۶۰ نفر از کارگران خود را به صورت دسته جمعی اخراج و فعالیت آنان را به بهانه‌ی کمبود بودجه تعطیل نمود؛ که این قضیه با اعتراض یکپارچه‌ی

از صفحه ۷ نگاه هفته: مجموعه ای از اخبار ...

کارگران مواجه گردید؛ اما کارفرما با وعده ای از سرگیری کار در تاریخ ۶/۱۰/۹۳ اعتراض کارگران را کنترل، و صفوف متحدانه ی آنان را در سایه ی ترافندی مزورانه در هم شکست، و تا تاریخ ارسال این خبر هنوز هیچ نشانی از آغاز فعالیت، و شروع به کار کارگران مشاهده نشده است. شایان ذکر است تمامی این کارگران که دو ماه حقوق نیز دریافت ننموده اند، از سوابق ۳ الی ۸ سال کار در این شرکت برخوردار بوده، و تمامی این مدت را به صورت قراردادی مشغول به کار بوده اند؛ با وجود محرومیت از بخش زیادی از حقوق و مزایا (اعم از حق اولاد، بن، کفش و لباس)، هر ماه مجبور به امضای قرارداد سوری و دروغین شرکت مذکور، مبنی بر برخورداری از تمامی آنها بوده اند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

خطاب به

کارگران ایران و جهان

فریاد خود را علیه حکم دوباره و ظالمانه و غیر انسانی بهنام بلند تر کنید!

بهنام ابراهیم زاده کارگر کارخانه و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری و فعال حمایت از کودکان کار و خیابان که به اتهام مبارزه و تلاش برای ایجاد تشکلهای سندیکایی و مستقل کارگری بعنوان تنها وسیله تحقق مطالبات کارگران و مزدبگیران در عرصه دستمزدهای انسانی، اشتغال دائم، بیمه های بیکاری و دائم و از کار افتادگی و حق تشکل و اعتصاب به ۵ سال زندان محکوم و در حال گذراندن پنجمین سال حبس خود در زندان اوین بود، که طی حمله وحشیانه نیروهای گارد و دیگر نیروهای مربوط به زندانها با نظارت و هدایت مسئولین سازمانهای مربوطه با طرح از قبل برنامه ریزی شده به بند ۳۵۰ اوین و مقاومت مشروع و جانانه وی در مقابل این یورش ددمشانه نیروهای سرکوبگر، ضمن اینکه به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و سپس صد روز به

است. همه این اتهامات ساختگی و دروغین و شرم آور است، به عنوان مثال وقتی بهنام در انفرادی ۲۰۹ اوین زندانی بود، ۶ مامور به خانه او ریخته و تمام وسایل خانه را زیر و رو کرده و برخی را با خود بردند، که طبق گفته خودشان در بین وسایل ماهواره نیز بوده است، سوال اینجاست (حتی اگر این گفته درست هم باشد) که ماموران و قاضی به اتهام ماهواره در خانه کسی را محاکمه می کنند که خودش در سلول انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین بوده است، کدام انسان شریف می تواند چنین اتهامی را بپذیرد؟ که قضات و امدار جمهوری اسلامی با چنین اتهاماتی انسان ها را محاکمه می کنند، آیا این اتهام دروغین و ساختگی نیست؟ شرم یاب بر قاضی صلواتی، بدون شک بقیه اتهامات نیز چنین هستند. در همین راستا فرشید فتحی و آرش مقدم اصلاتی هر کدام به یک سال محکوم شده اند. چند روز قبل نیز از همین بند دارالشیطان مهدی فراحی شاندیز فعال کارگری عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری و معلم به علت اعتراض به عدم تفکیک جرائم و برخوردهای خودسرانه و قانون شکنانه ماموران بطور غیر قانونی به سلول انفرادی داده شده و هنوز هم در آنجا می باشد. کارگران، مردم ستم دیده و آزادیخواه: بهنام ابراهیم زاده با توجه به اینکه تنها فرزندش (نیما ابراهیم زاده) که دچار سرطان است و در حال شیمی درمانی می باشد، به خاطر دفاع از حق حیات انسانی، حق تشکل و حق اعتصاب و اعتراض در برابر تبعیض و نابرابری دیکتاتوری و سرمایه داری در غل و زنجیر شده است، مبارزه برای آزادی او و دفاع از بهنام، دفاع از آزادی و برابری و عدالت اجتماعی برای همه مظلومان می باشد. به هر طریق ممکن مبارزات خود را برای آزادی او تشدید کنید. ما از تمامی کارگران، فعالین، تشکل های کارگری و نیروهای فعال جنبش های اجتماعی می خواهیم متحدانه از طریق طومار نویسی، تجمع، اطلاع رسانی گسترده به مردم اعتراض در مقابل دادگاه ها، زندان

و ... از بهنام و دیگر زندانیان حمایت گسترده نمایند، و همچنین از سازمانها، احزاب و نهاد های مردمی داخلی و جهانی می خواهیم از طریق ترتیب دادن اعتراضاتی در مقابل سازمانهای جهانی و در خواست از آنها و تجمع در مقابل سفارت خانه های جمهوری اسلامی به حمایت از بهنام برخیزند، و اجازه ندهند، با اتهامات دروغین و واهی قضات وام دار این فعال کارگری را از زندگی محروم کنند. ما از خانواده، پسران و دختران قاضی صلواتی و دیگر ماموران مربوطه که برای بهنام پاپوش دوختن سوال می کنیم: آیا شما می توانید در سفره ای بنشینید که توسط پدرانتان چنین جنایت کارانه پول در میاورند بنشینید به آنها برای حمایت از آزادی و حقانیت انسانها به این قاضی و ماموران اتهام زن و پرورده ساز اعتراض نکنید؟ آیا شما می توانید ببینید بهنام را که مدافع کودکان کار و خیابان بوده توسط پدرانتان چنین مورد اتهام و آزار و اذیت واقع می شود و از تنها پسرش که دچار سرطان است دور بماند و شما بتوانید با وجدان خودتان کنار بیاید؟ و ده سوال دیگر، ما از فرزندان و همسران این قاضی و مامورانی که با اتهامات دروغین انسانها را مورد محاکمه قرار می دهند، می خواهیم، با وجدان آزاد و انسانی از پدران و همسران خود بخواهند دلیل و مدارکی که بهنام را محاکمه کردند به آنها نشان بدهند، ما از این همسران و فرزندان می خواهیم، اگر با دلایل ارایه شده راضی شدند، برای ما هم اعلام کنند و اگر قانع نشدند، این قاضی و امدار و دیگر ماموران مربوطه را تحت فشار بگذارند تا از این طریق هم به وظایف انسانی خود عمل کرده باشند و هم حقی را از پایمال شدن نجات دهند، چنین عملی وظیفه هر انسانی است.

کمیته حمایت از شاخه زمانی

ادامه اعمال فشار بر کارگران و کارکنان اداره راه و شهر سازی سروآباد

بنا به گزارش رسیده جمعی از کارگران و کارکنان اداره راه و شهر سازی مریوان، بدون هیچ گونه هماهنگی قبلی و بدون توجه به محل سکونت آنان، از اداره راه و شهر سازی مریوان، به اداره راه و شهر سازی سروآباد منتقل شده اند. سرپرستان این اداره به این کارگران وعده داده بودند که در صورت جابه جایی، هزینه های رفت و آمد آنان را پرداخت و قراردادهای آنان را از فصلی به دائمی و رسمی تغییر خواهند داد. این در صورتی است که سرپرستان این اداره تا کنون هیچکدام از وعده های خود را عملی نکرده اند. لازم به ذکر است که حداکثر حقوق ماهیانه ی این کارگران ۸۰۰ هزار تومان می باشد که باید ماهانه حد اقل یک سوم آن را صرف هزینه های رفت و آمد خود از مریوان به سروآباد کنند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

اعمال فشار بر کارگران سقز سازی کردستان (ون) برای کسب سود بیشتر

شرکت تولیدی سقز سازی کردستان تولید کننده آدامس طبیعی و انواع لواشک این بار برای کسب سود بیشتر کارگران را وادار به کار بیشتر اما در همان ساعت کاری تولید قبل نموده اند به این شکل که کارگران قسمت بسته بندی از سوی کارفرمای این شرکت مورد فشار قرار گرفته و به آنها گوشزد شده است باید در هر ساعت ۳ کارتن آدامس و در مجموع ۲۲ کارتن در طول روز آماده و بسته بندی کنند و در غیر این صورت از حقوق ارزشیابی آنان در هر ماه کسر خواهد شد. بنا به این گزارش یکی دیگر از کارگران این شرکت با نام جبریل خانه بیگی که سابقه ۱۰ سال کار را دارد از جانب کارفرمای این شرکت مجبور به انجام انواع کارهای سخت و طاقت فرسا شده و به بهانه های مختلف مورد تهدید و اخراج قرار گرفته است. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۱۳۹۳ ددی ۱۴

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!